

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الکوی شخصیت

دوره پنجم، شماره چهارم

نام جزوه: الگوی شخصیت

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۶ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

- شخصیت چیست؟..... ۸
- پی ریزیهای اسلام..... ۱۴
- مرحله‌ی انعقاد نطفه و جنین..... ۱۵
- ۲ - عبدالله بن حذاقه..... ۲۴
- گناه، مهم ترین عامل تخریب شخصیت..... ۲۷

دوره پنجم، شماره چهارم / ۵

* به خاطر درگذشت «والیفنو» هنرپیشه‌ی

معروف؛ صدها زن خودکشی کردند!

* ته سیگار، چند تار مو و بند کفش کهنه‌ی

برخی از هنرپیشگان، به قیمت بسیار گزاف،

به‌وسیله‌ی دوستدار نشان، خریداری شد.

«نقل از جراید».

گفتاری از پیش:

می‌خواهید چگونه منشی داشته باشید؟^۱

۱. منش به معنای شخصیت است.

چون آفتاب، بلند و گرم و نیروبخش و دور از
دسترس؟

چون امواج، توفنده و بی آرام؟
چون آب رود، همواره جاری، همیشه پویان؟
چون نسیم، ناپیدا و هرزه گرد؟
کدام مسند و کدامین جایگاه را برای خویشتن
مناسب و درخور می یابید و احساس می کنید آرامش
و سنگینی ویژه‌ی منش خویش را یافته اید؟
آیا می خواهید دارای شخصیت ممتاز سیاسی و
یا نظامی باشید؟

یا در مقام فرد عالی رتبه‌ی اداری و کشوری؟

دوره پنجم، شماره چهارم / ۷

یا همانند یک دانشمند متفکر، یک نویسنده‌ی

بزرگ، یک مخترع یا مکتشف و یا یک فیلسوف؟

یا قهرمان نامی جهان فوتبال، یا بوکس و یا

هنرمند یا هنرپیشه‌ی مشهور جهان؟

یا سلطان نفت و فولاد و یا صاحب ثروتی

سرشار و یا گرداننده‌ی شرکتی عظیم یا سهام‌دار

کارتل‌های بزرگ؟

و یا دارنده‌ی منشی بلند درزمینه‌ی‌های اخلاقی،

روحی معنوی و مذهبی؟

ناگفته پیداست که هریک از مقام‌هایی که

برشمردیم، در نزد گروهی مخصوص، تابناک است و

هر فرد، بر اساس تمایلات و تربیت و ویژگی‌های

۸ / الگوی شخصیت

روحی خویش، یکی از آن موارد را الگوی ایده آل، برای شخصیت خویش می‌داند.

اما به‌طور کلی می‌توان گفت: همه می‌خواهند دارای منشی بلند و شخصیتی متعالی باشند تا در آن منشأ خدمات و پیشرفت‌هایی باشند و یا بر خود ببالند و یا به دیگران فخر بفروشند و چشم هر بیننده را به حسرت و غبطه به نظاره‌ی خویش وادارند.

شخصیت چیست؟

اکنون باید دید، اصولاً شخصیت چیست که همه طالب آن‌اند؛ هرکس آن را در چیزی به اشتباه یا به واقعیت می‌جوید و موضوع یا نمونه‌ی ویژه‌ی را ملاک منش و شخصیت ایده آل خویش می‌پندارد و با همه‌ی وجودش خواستار آن است؟

دوره پنجم، شماره چهارم / ۹

چنان که می‌بینیم:

گروهی، داشتن لباسی گران‌قیمت و گلوبندی
چند میلیون تومانی یا پالتو پوستی چند هزار دلاری^۱
را ملاک عظمت و شخصیت خود می‌پندارند.
و برخی دیگر، داشتن طرفداران زیاد را برای
کسی، نشانه‌ی بزرگی منش او می‌دانند تا آنجا که به
خاطر مرگ چنین کسی، هزاران نفر خودکشی
می‌کنند یا ته‌سیگار و چند تار موی او را صدها یا
هزاران تومان خریداری می‌نمایند.

۱ . الپورت Alport و اودبرت H.S.odbert از کتاب
روانشناسی شخصیت، ص ۲۳ و روانشناسی رشد، ص ۴۵۳ .

و یا به داشتن یک عکس و حتی یک امضاء و
یا به دیدن او در لحظه‌ی بی‌اگر از دور، بر خود
می‌بالند...!

باری، به پرسش خویش، برگردیم که:

آیا واقعاً شخصیت چیست؟

آنچه از واری کتاب‌های گوناگون به‌ویژه کتاب‌های
روان‌شناسان برمی‌آید و در مجموع، تعریف نسبتاً
جامعی است؛ این است:

«شخصیت، مجموعه‌ی صفات طبیعی و

اکتسابی ویژه‌ی هر فرد است که مسیر او را در میدان
زندگی و در روابط عمومی و سازش‌های اجتماعی،
تعیین می‌کند.»

دوره پنجم، شماره چهارم / ۱۱

اما اسلام، از آنجاکه از دیدگاهی واقع بینانه تر، به پدیده‌ها می‌نگرد؛ در این زمینه نیز، نظر اصلی آن، به صفات روحی و فضائل ارزنده‌ی انسانی است و شخصیت فرد را به تقوا و پرهیزگاری و پاک‌دامنی و دانش می‌داند و داشتن ثروت، شوکت، مقام، لباس و... را ملاک شخصیت نمی‌داند و مزیتی برای آن‌ها قائل نیست و تنها می‌گوید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَّقِيكُمْ»^۱ یعنی گرامی‌ترین شما نزد خداوند، پرهیزگارترین شماست.

پیشوای اسلام می‌فرماید:

لافضل للعرب علی العجم و لاللابیض علی الا
سود؛ الا بالتَّقوی^۱.

عرب را بر غیر عرب و سپید را بر سیاه برتری
نیست مگر به تقوا و پرهیزگاری.

از دیدگاه اسلام، شخصیتی که از «تقوی» تهی
باشد، ارزشمند نیست. چراکه پرهیزگاری، باعث به
وجود آمدن شخصیتی راستین و ژرف می‌گردد. آن‌که
از خدا بیم دارد، در کردار و برخوردها، آنچه را که او
و جامعه‌ی او را به نیک بختی می‌رساند، رعایت
می‌کند.

۱. «نوری که به دنبال آن رفتند»، ص ۱۵۸، «ترجمه‌ی کتاب
«رجال حول الرسول» تألیف محمد خالد مصری .

دوره پنجم، شماره چهارم / ۱۳

آویزهای دیگری نیز که شخصیت افراد بدان
آذین می‌یابد، همه از لوازم پرهیزگاری است.

پرهیزگار؛ بدکردار و بدرفتار و تندخو و خشن
و کثیف نمی‌تواند بود.

پلشتی و ناپاکی و رذالت و خشونت با
«پرهیزگاری» جمع نمی‌گردد.

اسلام، این مکتب برتر تربیت و عمل؛ اهتمامی
ویژه دارد که افرادی با منش بلند پرورش دهد
تابتوانند در همه‌ی مراحل زندگی، سرافراز و
مشخص و نمونه زیست کنند، پس همه‌ی مراحل
زندگی را تحت کنترل گرفته است.

پی‌ریزی‌های اسلام

بنابر آن چه گفته آمد، اسلام زگهواره تاگور، با چشمانی نگران و بینا همه‌ی کردارهای افراد را زیر نظر گرفته است؛ و از آغاز انعقاد نطفه و حتی قبل از آن راهنمایی می‌کند و دستورهایی می‌دهد و این دستورها

در همه‌ی مراحل: بارداری مادر، شیرخوارگی طفل، محیط تربیتی خانه، محیط تحصیل، کار و اجتماعات و... ادامه دارد؛ و رعایت این دستورهاست که منش بلند و عالی می‌سازد اینک با نمونه‌هایی از این دستورها آشنا می‌شویم:

مرحله‌ی انعقاد نطفه و جنین

مرحله‌ای بسیار حساس است. دانشمندان نظر می‌دهند که عامل وراثت در این مرحله، صفاتی را در نسل انسان به ودیعه می‌نهد که مشابه با صفات و ویژگی‌های پدر و مادر است، بنابراین اسلام، با دستورهای لازم، توجه دقیق والدین را به اهمیت این مرحله جلب می‌کند:

مثلاً می‌گویند:

- اگر یک الکلی است (می‌خواره)، به

خواستگاری آمد، با او ازدواج نکنید^۱.

- به بداخلاق زن ندهید^۲.

۱. وسائل، ج ۱۴، باب ۲۹، نکاح ص ۵۳.

۲. وسائل، ج ۱۴، باب ۲۹، نکاح ص ۵۳.

از ازدواج با زن بی‌شعور بپرهیزید؛ که هم‌نشینی او گرفتاری است و فرزندانش تباه و فاسد خواهند بود.^۱

- بهترین زنان شما کسانی هستند که عقیم نباشند، مهربان، پاک‌دامن، محترم، فروتن در برابر شوی: و نسبت به دیگران سنگین و بی‌اعتنا باشند.^۲

از ازدواج با زیبارویانی که در خانواده‌ای آلوده پرورش یافته‌اند، بپرهیزید.

ایاکم و خضراء الدمن...^۳

۱. وسائل، ج ۱۴، ص ۵۴.

۲. وسائل، باب ۱۴، ص ۱۴.

۳. وسائل، ج ۱۴، ص ۱۹.

دوره پنجم، شماره چهارم / ۱۷

تلاؤ این همه باریک بینی و ژرف بینی، جز در چشم مهربان اسلام به هم نمی رسد. این همه دقت آشکار می کند که اسلام چگونه با همه ی ریزه کاری هایی که در ساختن منش کودک از آغاز بسته شدن جنین، موثر می باشد آشناست و بدانها توجه دارد.

در مراحل دیگر نیز چون ایام بارداری مادر، شیرخوارگی نوزاد و کودکی، دستورالعمل های مفیدی در زمینه ی خوراک، بهداشت، خواب، استراحت و هم در کردار و رفتار و روابط زناشویی داده است. حتی در گزینش دایه و پرستار و شیری که نوزاد می نوشد، شرایطی را گوشزد کرده است.

اسلام کردار و رفتار و برخورد والدین را در بدآموزی یا تربیت صحیح کودک، بسیار مؤثر می‌داند تا آنجا که آن‌ها را از آمیزش و عشق‌ورزی در برابر کودکان بازمی‌دارد.

این نکات ارزنده را روان‌کاوان و دانشمندان زیست‌شناس و روانشناس به‌تازگی دریافته‌اند:

دوران کودکی باید پاک و سالم و جدا از تحریک‌های جنسی، بماند. کودک حساس است و همه می‌دانند که مبارزه با حساسیت کودک دشوار است.

هیچ چیز برای روان‌کاو دشوارتر از این نیست که ببیند از آغاز کودکی، تحریک‌های جنسی یا

دوره پنجم، شماره چهارم / ۱۹

دست کم چیزی مشابه آن، با سلسله اعصاب کودک،
رویاری بوده است.

ریشه‌ی همین تحریک‌ها در زمان کودکی است
که بعدها به گونه‌ی عقده‌های روانی، بروز و طغیان
می‌کند.

بیشتر کودکان را، پدران و مادران به‌سوی فساد
جنسی و طغیان غریزه می‌کشانند چون در برابر
دیدگان آنان آمیزش می‌کنند^۱.

تأثیر محیط

محیط، از عوامل بسیار مهم سازنده‌ی منش هر فرد
است و منظور همه‌ی محیط‌هایی است که فرد از آغاز
تا پایان زندگی، در آن به سر برده است. چون محیط

۱. کتاب انگیزه‌های روانی .

خانه، آموزش و پرورش، کار، معاشرت‌های فردی و سرانجام محیط اجتماعی.

وضع ظاهری، طرز گفتار و رفتار، پوشاک و حتی سلامت و دانش و بسیاری از جنبه‌های دیگر منش انسان، تابع محیط است.

به‌ویژه کودک، که همچون نهال نارس هست. همچنان که رشد و بالیدن و ثمر دادن نهال، وابسته است به این‌که در کجای بوستان و باغ قرار گیرد و چقدر از آفتاب بهره برد و چه اندازه، آب به آن برسد و چگونه و از چه منبع، آبیاری شود؛ کودک نوپا نیز، از عوامل محیطی خود، بسیار تأثیرپذیر است؛ و بلکه بسیار تأثیرپذیرتر.

دوره پنجم، شماره چهارم / ۲۱

اسلام، به این نکته‌ی حساس نیز، بسیار توجه دارد. پیروان خود را از رفتن به مراکز آلوده باز می‌دارد و به رفتن در محافل دانشمندان، ترغیب می‌کند. و می‌گوید: با هر کس، طرح دوستی می‌فکن که صفات دوست، به دوست سرایت می‌کند. حتی اسلام شرکت در بزمی را که در آن به می‌خواری نشسته‌اند، نهی می‌کند. درود بر اسلام با این همه واقع‌بینی و باریک‌اندیشی.

دو نمونه از شخصیت‌های برجسته‌ی اسلام اینک، هنگام آن است که نمونه‌هایی از الگوهای شخصیتی اسلام را بشناسیم:

۱ - بلال حبشی

بلال از نمونه‌های سترگ است که با منشی اسلامی، تربیت یافته است.

آثار این عظمت و تربیت را در این گوشه از داستان دیده می‌شود:

روزی، به فرمان پیامبر (صلی الله علیه واله)، بر آن شد که به خواستگاری دختری از بزرگان قبایل برود. او و برادرش نزدیک خانواده‌ای نسبتاً بزرگ رفتند.

بلال به جای چرب‌زبانی و چابلوسی فقط گفت:
ان تزوجونا فالحمد لله و ان تمنعونا، فالله

اکبر.^۱

۱. «نوری که به دنبال آن رفتند»، ص ۱۵۸، «ترجمه‌ی

فارسی کتاب: رجال حول الرسول».

دوره پنجم، شماره چهارم / ۲۳

اگر با ما وصلت کنید، خدای را سپاس خواهیم
گفت و گرنه خدا بزرگ است.

او می‌داند که عزّت و بزرگی منش، ویژه‌ی
بندگان راستین خداست او تربیت‌شده‌ی مکتبی است
که می‌گوید: و لله العزّة و لر سوله و للمؤمنین.^۱

او به خود اجازه نمی‌دهد که در برابر خواسته‌ی
دل خود و یا قدرت مالی خانواده‌ی دختر، خود را
کوچک کند و زبان به تملّق بیالاید.

روح سترگ او زیر بارپذیرش خواری‌هایی در
لفاف جمله‌هایی نظیر: «ما را به غلامی پذیرید»؛
نمی‌رود.

۱. قرآن کریم - سوره‌ی منافقون آیه‌ی ۸.

۲ - عبدالله بن حذاقه

از یاران پیامبر (صلی الله علیه وآله) بود. در زمان عمر، با گروهی از مسلمانان گرفتار رومیان شد.

دشمن، دیگ‌هایی آکنده از روغن زیتون به جوش آورد و با سنگدلی یکی از مسلمانان را که تن به نصرانی شدن، درنداد، به درون دیگ روغن افکند. لحظه‌ای بعد استخوان‌هایش در سطح روغن، روی دیگ نمایان گردید.

پس از او، عبدالله را آوردند. بدو نیز پیش نهاد کردند که:

- دست از اسلام بشوی، اگر دست از جان

نشسته‌ای.

- گفت: هرگز.

دوره پنجم، شماره چهارم / ۲۵

پس او را به‌سوی دیگ‌ها بردند، اما دیدند که او
اشک می‌ریزد.

از سران سپاه دشمن یکی گفت: برگردانیدش،
پشیمان شده است.

- عبدالله گفت: هرگز.

- پس چرا گریه می‌کنی؟

- گریه‌ی شوق و حسرت است:

شوق شهادت و حسرت از آن‌که بیش از

یک جان ندارم تا درراه ایده‌ی خویش، فدا کنم...

آن سردار، از دلیری او به شگفت آمد و در دل

او را بسیار ستود؛ و گفت:

- بیا سرم را ببوس و آزادباش!

- هرگز.

- نصرانی شو تا دخترم را به عقد تو درآورم و
نیمی از آنچه دارم نیز به تو واگذارم.
- هرگز.

- پس سرم را ببوس تا تو و هشتاد تن از
مسلمانان را نیز با تو، آزاد کنم.

عبدالله چون دریافت که جانِ دیگران از
مسلمانان را خواهد خرید حاضر شد و سر او را
بوسید و همه آزاد شدند...^۱

این نمونه‌یی است از منش یک جوان که تربیت
اسلامی یافته است و در پرتو تربیت، شخصیتی چنان
عظیم به هم رسانده که بی‌اختیار، همه‌ی ستایش

دوره پنجم، شماره چهارم / ۲۷

آدمی را به کرنش خویش برمی‌انگیزاند. درود بر او باد و بر شخصیت پولادین و منش بلند او.

گناه، مهم‌ترین عامل تخریب شخصیت

آدمی به‌جز آنچه زیربنای موقعیت، آبرو و منش ظاهری او را می‌سازد؛ باید درصدد به دست آوردن عوامل دیگری برآید که بنیان‌گذار ارزش‌های معنوی گردد.

ترک گناه از بزرگ‌ترین این عوامل است که سازنده‌ی شخصیت حقیقی هر فرد می‌باشد.^۱

- امام محمدباقر (علیه‌السلام) می‌فرمایند:

شوربختی و حادثه‌ها و نکبت و شکست، همه

به دست انسان و بر اثر گناه آلودگی. پیش می‌آید...

امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

هَلِكُ مَنْ اضْلَهُ الْهَوَىٰ...^۱

آن‌که خواهش‌های تن گمراهش سازد، به
هلاکت خواهد افتاد.

بزرگ‌ترین و در همان حال دل‌فریب‌ترین
الگوی منش الگوی نهانی شخصیت است که هرکس
در وجدان و ذات خود، بدان باید برسد.

و گناه هرچند پنهانی، این پیکره‌ی بلند و
دل‌فریب را از درون می‌شکند و گرچه در بیرون،
مردم آن را سالم بیندارند.

و نیز آن گرامی می‌فرماید:

دوره پنجم، شماره چهارم / ۲۹

«کسی که برای خود، شخصیتی قائل نیست و خویشتن را حقیر و پست می‌کند، از او امید نیکی مدارید. چنین کس، از ارتکاب پلیدی‌ها باکی ندارد».

من هانت علیه نفسه فلا ترج خیره^۱

اسلام، اجازه نمی‌دهد که مسلمانان به پلشتی گناه آلوده گردند و با دونان و نادانان و ناشایستگان درآمیزند.

پایان